Journal of Legal Philosophy Studies
Volum 1, Consecutive Number 1, 2025
Journal Homepage: https://philosophylawjournal.ir/
This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.

Legal philosophy of the 1980 Vienna Convention on the International Sale of Goods Opportunities and Challenges

Mohammad Rahim Behbahani

Corresponding author, Assistant Professor, Islamic Azad University, Department of Law, Faculty of Humanities, Kazarun Branch, Fars, Iran. thebehbahani@gmail.com

Abstract

The cross-border nature of international transactions and, mainly, international sales contracts and their guarantee on one or more international elements, has revealed the ineffectiveness of national laws to respond to the requirements and special needs of international sales. For this reason and considering that sales law is the most important branch of contract law during the last few decades, the international legal community, recognizing the problems and being aware of the inadequacies of the laws of the countries, started a movement in the direction of compiling and integrating the relevant legal rules. has done. One of the impressive and efficient efforts that have been made in this direction is the adoption of the Convention on the International Sale of Goods dated April 11, 1980 by the United Nations Conference on International Sale of Goods. The drafters of this convention, who were the representatives of different countries with different economic, political and legal systems, have tried to rely on the customs and habits and prevailing tendencies of international trade and maintaining the balance between the laws and the general order of the countries and the freedom of will of the parties to They have established a new order in the field of international trade and facilitate the development of global trade by respecting the equality and mutual respect of the parties to international sales contracts. The present article tries to examine the principles governing it by analyzing the 1980 Vienna Convention on International Sales and at the same time revealing the opportunities and challenges in applying those principles in the international arena.

Keywords: Philosophy, Legislation, International Sales Convention, Vienna 1980, Challenge and Opportunity

- Behbahani, M R. (2025). Legal Philosophy of the 1980 Vienna Convention on the International Sale of Goods Opportunities and Challenges, *Journal of Legal Philosophy Studies*, 1(1), 1-25

[Downloaded from mail.philosophylawjournal.ir on 2026-09-18]

مجله مطالعات فلسفه حقوق
دورۀ اول ـ شمارۀ اول ـ ۱۴۰۴
صفحات ۱-۲۵ (مقاله پژوهشی)
تاریخ: دریافت ۱۴۰۴/۰۲/۲۵ـ پذیرش ۱۴۰۴/۰۸/۰۵ ـ انتشار ۱۴۰۴/۰۸/۱۵

فلسفه تقنینی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین فرصت‌ها و چالش‌ها

محمدرحیم بهبهانی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد کازرون، فارس، ایران.
thebehbahani@gmail.com

چکیده

طبیعت برون مرزی معاملات بین‌المللی و به‌طور عمده و اساسی، قراردادهای بیع بین‌المللی و تضمین آنها بر یک یا چند عنصر بین‌المللی، کارا نبودن قوانین ملی را برای پاسخگویی به مقتضیات و نیازهای ویژه بیع بین‌المللی آشکار نموده است. به همین جهت و با توجه به این که حقوق بیع، مهم‌ترین شاخه حقوق قراردادهای طی چند فرآیند دهه اخیر، جامعه حقوقی بین‌المللی با شناسائی مشکلات و آگاهی از نارسایی‌های قوانین کشورها، حرکتی را در جهت تدوین و یکپارچه ساختن قواعد حقوقی مربوطه، آغاز کرده است. یکی از تلاشهای چشمگیر و کارآمدی که در این راستا صورت گرفته است تصویب کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مورخ ۱۱ آوریل ۱۹۸۰ توسط کنفرانس سازمان ملل متحد برای قراردادهای بیع بین‌المللی کالاست. تهیه‌کنندگان این کنوانسیون که نمایندگان کشورهای مختلف با نظام‌های اقتصادی، سیاسی و حقوقی گوناگون بودند، کوشیده اند تا با استمداد از عرف و عادت و گرایشهای غالب تجارت بین‌الملل و حفظ توازن بین حقوق آمده و نظم عمومی کشورها و نیز آزادی اراده طرفین تا حدود زیادی نظمی نوین را در عرصه تجارت بین‌المللی پی ریزی نموده و با رعایت برابری و غبطه متقابل طرفین قراردادهای بیع بین‌المللی، توسعه داد و ستد جهانی را تسهیل کنند. مقاله حاضر سعی دارد تا با واکاوی کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ وین بررسی اصول حاکم بر آن و ضمن بیان فرصت‌ها و چالش‌های موجود در زمینه اعمال آن اصول را در عرصه بین‌المللی آشکار نماید.

کلیدواژه: فلسفه، تقنین، کنوانسیون بیع بین‌المللی، وین ۱۹۸۰، چالش و فرصت

- بهبهانی، محمدرحیم. (۱۴۰۴). فلسفه تقنینی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین فرصت‌ها و چالش‌ها، مجله مطالعات فلسفه حقوق، ۱(۱)، صفحات ۱-۲۵.

[Downloaded from mail.philosophylawjournal.ir on 2026-09-18]

مقدمه

در تجارت بین‌الملل به‌ویژه بیع بین‌المللی کالا، خریدار و فروشنده علاوه بر خرید و فروش کالا حداقل دو قرارداد دیگر به منظور حمل و نقل و بیمه کالا باید در نظر گیرند. تنظیم ترتیبات مربوط به فروش کالا و قرارداد حمل که بعد یا در ضمن فروش باید در مورد آن تعیین تکلیف شود مجموعه‌ای از تعهدات را برای طرفین قرارداد ازجمله فروشنده، خریدار فرستنده و متصدی حمل و نقل مقرر می‌کند. مسأله ورود خسارت و همچنین تعیین مسئول جبران آن، ذهن خریدار و فروشنده و نیز فرستنده و متصدی حمل را به خود مشغول می‌کند، چرا که این امر بر فرآیند و نتیجه قرارداد تأثیرگذار خواهد بود و همین‌جا اهمیت جایگاه بیمه روشن می‌شود. نکته قابل توجه در این قراردادها نقطه انتقال ریسک از عهده فروشنده به خریدار و از فرستنده به متصدی حمل است که می‌بایست در کنار هم مورد بررسی قرار گیرد. از طرفی با توجه به اینکه حقوق بیع، مهم‌ترین شاخه حقوق قراردادهای طی چند فرآیند دهه اخیر، جامعه حقوقی بین‌المللی با شناسایی مشکلات و آگاهی از نارسائی‌های قوانین کشورها، حرکتی را در جهت تدوین و یکپارچه ساختن قواعد حقوقی مربوطه، آغاز کرده است. یکی از تلاش‌های چشمگیر و کارآمدی که در این راستا صورت گرفته است تصویب کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مورخ ۱۱ آوریل ۱۹۸۰ توسط کنفرانس سازمان ملل متحد برای قراردادهای بیع بین‌المللی کالاست. تهیه‌کنندگان این کنوانسیون که نمایندگان کشورهای مختلف با نظام‌های اقتصادی، سیاسی و حقوقی گوناگون بودند، کوشیده‌اند تا با استمداد از عرف و عادت و گرایش‌های غالب تجارت بین‌الملل و حفظ توازن بین حقوق آمده و نظم عمومی کشورها و نیز آزادی اراده طرفین تا حدود زیادی نظمی نوین را در عرصه تجارت بین‌المللی پی‌ریزی نموده و با رعایت برابری و غبطه متقابل طرفین قراردادهای بیع بین‌المللی، توسعه داد و ستد جهانی را تسهیل کنند. مقاله حاضر سعی دارد تا با واکاوی کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ وین بررسی اصول حاکم بر آن و ضمن بیان فرصت‌ها و چالش‌های موجود در زمینه اعمال آن اصول را در عرصه بین‌المللی آشکار نماید.

۱. تاریخچه کنوانسیون

گسترده‌ترین و رایج‌ترین قرارداد در تجارت بین‌الملل، خرید و فروش یا بیع بین‌الملل است. به دلیل گستردگی و اهمیت این قرارداد، مباحث مربوط به آن جایگاه ویژه‌ای در حقوق تجارت بین‌الملل دارد و بدیهی است اولین اقدام برای توسعه تجارت بین‌الملل، رفع

[Downloaded from mail.philosophylawjournal.ir on 2026-09-18]

موانع و تسهیل قراردادهای بیع بین‌الملل است. در طول قرن گذشته تلاش‌های زیادی برای یکسان‌سازی مقررات ماهوی ناظر بر قراردادهای بیع بین‌المللی صورت گرفته که مؤثرترین و کارآمدترین آنها «کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به فروش بین‌الملل کالا» است. این کنوانسیون هر روز دارای اهمیت زیادتری در تجارت بین‌الملل می‌شود و نقش آن در تنظیم قراردادهای بیع بین‌المللی منحصر به فرد است.

اولین تلاش‌ها برای یکنواخت‌سازی و همگنی حقوق حاکم بر بیع بین‌المللی به سال ۱۹۲۹ برمی‌گردد. در آن سال مؤسسه بین‌المللی برای همگون‌سازی و تدوین حقوق خصوصی[1] مطالعات مقدماتی را به عهده گرفت و با تشکیل کمیته‌ای متشکل از وکلای برجسته حقوق تطبیقی، پیش‌نویس مقدماتی قانون بین‌المللی فروش کالا را تهیه نمود که پس از تصویب شورای حاکم مؤسسه بین‌المللی برای متحدالشکل‌سازی حقوق بین‌المللی برای کسب نظرات دولت‌های عضو تجویل جامعه ملل گردید. کمیته مزبور پس از اخذ نظارت اعضا، پیش‌نویس قانون فوق را اصلاح نمود و در سال ۱۹۳۹ که جدیداً ارائه گردید. در ادامه، اقداماتی از جانب دولت هلند در جهت بررسی کلی پیش‌نویس تهیه شده صورت گرفت و کمیته ویژه‌ای جهت طراحی متن پیش‌نویس تعیین گردید. حاصل فعالیت‌های کمیته ویژه تهیه دو پیش‌نویس بود که یکی در سال ۱۹۵۶، و دیگری در سال ۱۹۶۳ تدوین شد که به علت استقبال از دو پیش‌نویس قانون متحدالشکل کنفرانسی در شهر لاهه هلند و در سال ۱۹۶۴ با حضور چندین سازمان بین‌المللی به‌عنوان ناظر تشکیل شد که حاصل آن، پذیرش دو کنوانسیون یکی در رابطه با قانون متحدالشکل بیع بین‌المللی[2] و دیگری در زمینه قانون متحدالشکل انعقاد قراردادهای بیع بین‌المللی[3] بود که هر دو کنوانسیون در سال ۱۹۷۲ اجرایی گردیدند.[4]

---

1. Institut International pour L,unification du droit prive`(به فرانسه), The International Institute for the Unification of Private Law (UNIDROIT) (به انگلیسی)

۲. یونید روا یا مؤسسه بین‌المللی یکسان‌سازی حقوق خصوصی، مؤسسه‌ای مستقل بین دولتی مستقر در شهر رم ایتالیا است. هدف این مؤسسه مطالعه در نیازها و شیوه‌های مدرن کردن ، هماهنگ‌سازی و ایجاد هارمونی در حقوق خصوصی به ویژه حقوق بازرگانی، اعم از، بین دولت‌ها و گروهی از دولت‌هاست، به نحوی که بتواند اسناد، اصول و قواعد متحدالشکل حقوقی را برای مقاصد فوق، تنظیم کند.

3. Uniform Low on the Formation of Contracts Sale of Goods.

۴. تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی، کنوانسیون ۱۹۸۰ وین، نوشته هجده نفر از دانشمندان حقوق دانشگاه‌های معتبر جهان، ترجمه دکتر سهراب داراب پور، جلد اول، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۴.

[Downloaded from mail.philosophylawjournal.ir on 2026-09-18]

کنوانسیون بیع بین‌الملل کالا مصوب، ۱۹۸۰ علی‌رغم اینکه برای تعیین مقررات و تحدید حدود قراردادهای بین‌المللی تصویب‌شده و منتشر گردیده است، تعریفی از «بیع» به‌عنوان بنیادی‌ترین مفهوم کنوانسیون ارائه نداده است. دلیل این امر آن است که تنظیم‌کننده کنوانسیون نمی‌خواسته در مناقشات مربوط به مفهوم و تعریف بیع وارد شود و بدین دلیل آن را به حقوق و قوانین داخلی کشورهای عضو موکول کرده است. (لارس وان، ۲۰۱۱: ۲۹۹)

۲. فلسفه تنظیم و تدوین کنوانسیون‌های ۱۹٦٤[1] (لاهه)

کنوانسیون‌های ۱۹۶۴ لاهه که حاصل سال‌ها مطالعه و تحقیق عده کثیری از دانشمندان حقوقی و سازمان‌های بین‌المللی بودند، با همت و ابتکار دولت هلند و پس از پایان جنگ جهانی دوم و متوقف شدن کوشش‌هایی که از سال‌های ۱۹۳۰-۱۹۲۹ در جهت کمک به تسریع یکنواخت‌سازی مقررات بیع بین‌المللی، تنظیم و مورد پذیرش برخی از کشورها[2] قرار گرفت، سعی در سازش دادن و تلفیق سنت‌های نظام‌های حقوقی رومی ـ ژرمنی و کامن‌لا داشتند و علی‌رغم اینکه در اوت ۱۹۷۲ وارد مرحله اجرایی شدند ولی به علت عدم استقبال اکثر کشورها که بیشتر هم شامل کشورهای اروپایی می‌شدند، با شکست نسبی مواجه گردیدند. علت دیگر عدم موفقیت این کنوانسیون‌ها، استفاده کشورهای پذیرنده این کنوانسیون‌ها (همان کشورهای محدودی که آنها را تصویب کرده و پذیرفته بودند) از یک یا چند رزرو بود که مسلماً قلمرو اجرای کنوانسیون‌ها را محدود می‌نمود. این شکست نسبی، اندیشه تهیه و تصویب کنوانسیون جدیدی را پدید آورد و این مسئولیت این بار بر عهده کمیسیون سازمان ملل متحد برای حقوق تجارت بین‌المللی[3] قرار گرفت. (صفایی و همکاران، ۱۳۹۰)

۱. منظور همان کنوانسیون‌های مشتمل بر قانون یکنواخت راجع به بیع بین‌المللی اشیاء منقول مادی (ULIS)؛ و دیگر قانون یکنواخت راجع به تشکیل قرارداد بیع بین‌المللی اشیاء منقول مادی (ULFC) است. اولین کنوانسیون، مربوط به تعهدات بایع و مشتری و به تعبیر دیگر، آثار بیع است و کنوانسیون دوم، از تشکیل قرارداد بیع صحبت می‌کند.

۲. ازجمله شش کشور اروپایی شامل: انگلیس، ایتالیا، آلمان، بلژیک، لوکزامبورگ و هلند و کشور آفریقایی گامبیا.

3. United Nations Commission for the International Trade (UNCITRAL).

[Downloaded from mail.philosophylawjournal.ir on 2026-09-18]

۳. تهیه و تصویب کنوانسیون وین ۱۹۸۰

به دلیل عدم موفقیت کنوانسیون‌های لاهه[۱]، کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد، مأمور تهیه طرحی نو گردید که پس از سال‌ها کار مستمر بر روی این طرح، به تاریخ ۱۰ مارس ۱۹۸۰ کنفرانس سازمان ملل در وین پایتخت اتریش برگزار شد. در این کنفرانس، نمایندگان ۶۲ کشور با نظام‌هایی اقتصادی، سیاسی و حقوقی مختلف و همچنین ناظران برخی سازمان‌های خاص و نمایندگان سازمان‌های دولتی و غیردولتی شرکت جستند. این کنفرانس در چهارچوب کار کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل[۲] از مقررات مختلف، ازجمله مقررات کنوانسیون‌های لاهه ۱۹۶۴ و برخی مقررات نوین راجع به بیع بین‌الملل بهره گرفت و کنوانسیون بیع بین‌الملل کالا را در ۱۱ آوریل ۱۹۸۰ به تصویب رساند. کنوانسیون اخیر، حاصل ده‌ها سال کوشش در جهت وضع مقررات متحدالشکل ناظر بر قراردادهای بیع بین‌المللی کالا است.[۳]

٤. ساختار و بخش‌های مختلف کنوانسیون وین

این کنوانسیون به چهار قسمت تقسیم شده است. قسمت اول به دامنه کار بود کنوانسیون و مفاد کلی می‌پردازد. قسمت دوم شامل قوانینی است که بر انعقاد و تشکیل قراردادهای بیع بین‌المللی کالا حاکم است. قسمت سوم به حقوق و تعهدات اساسی خریدار و فروشنده ناشی از قرارداد می‌پردازد. بخش چهار شامل بندهای نهایی کنوانسیون در مورد مواردی از قبیل نحوه و زمان لازم‌الاجرا شدن آن، رزروها و اعلامیه‌های مجاز و اعمال کنوانسیون در بیع بین‌المللی است که دو کشور مربوطه قانون یکسان یا مشابهی در این زمینه دارند.

۵. فلسفه تهیه، تصویب و لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون وین

با توجه به تنوع مقررات داخلی کشورها در زمینه بیع اموال منقول[۴]، تبعیت بیع بین‌المللی از این مقررات متنوع و متکثر نه‌تنها مناسب و راضی‌کننده نیست، بلکه در عمل نیز با توجه به تعارض قوانین کشورها، باعث بروز مشکلات زیادی در عمل می‌شود. زیرا از یک‌سو

---

۱. ۱۹۶۴

۲. آنستیرال

3. http://www.smalawyer.ir

۴. منظور، «کالا» می‌باشد.

[Downloaded from mail.philosophylawjournal.ir on 2026-09-18]

مقررات داخلی، به ویژه مقررات قدیمی، برای بیع بین‌المللی وضع نشده و از سوی دیگر حقوق ملی حاکم باید بر طبق قواعد تعارض قوانین تعیین شود و این قواعد به آسانی قابل وصول برای غیر متخصصان و دست‌اندرکاران عرصه تجارت بین‌الملل و حتی حقوقدانان نیست، چه اصول و قواعد تعارض قوانین برحسب کشورها متفاوت است و راه‌حل‌های آن، حتی در یک کشور معین، چه‌بسا روشن و قطعی نمی‌باشد. در زمینه وحدت حقوق بیع بین‌المللی، یکنواختی کامل مقررات داخلی کشورها، به گونه‌ای که به تعارض قوانین پایان بخشد نه ممکن و نه مطلوب می‌باشد. حقوق بیع مهم‌ترین شاخه حقوق قراردادها است و بدیهی است هر کشور در زمینه مقررات مربوط به این نوع از عقد وابسته و دلبسته به نسبت‌های ملی خود می‌باشد و این سنت‌ها نیز از کشوری به کشور دیگری متفاوت می‌باشد. با لحاظ این حقایق، تنها ایجاد وحدت قواعد ماهوی در بیع بین‌المللی راه‌حل مطلوب جلوه می‌کند. این وحدت، یکنواختی و هماهنگی نظام‌های حقوق ملی در زمینه بیع داخلی را ایجاب نمی‌کند و فقط ناظر به مقررات بیع بین‌المللی با توجه به ضرورت‌ها و شرایط خاص تجارت بین‌المللی است. علی‌رغم برخی مشکلات و محدودیت‌ها پذیرش مقررات یکنواختی برای جنبه‌های اصلی بیع بین‌المللی، مانند کنوانسیون وین که زیر نظر سازمان ملل متحد تهیه و تصویب شده است، پیشرفت بزرگی در راه وحدت حقوق بیع بین‌المللی به شمار می‌آید.[۱]

٦. برخی خصوصیات و اصول کنوانسیون بیع بین‌المللی (وین، ۱۹۸۰)

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا دارای خصوصیاتی است که برخی از مهم‌ترین این خصوصیات به شرح ذیل می‌باشد:

۱. صرفاً در مورد کالا می‌باشد و اموال غیرمنقول و حقوقی مالی را دربر نمی‌گیرد.

۲. با وجود اینکه موضوع این کنوانسیون بیع بین‌المللی اموال منقول است یکن اصولاً شامل بیع‌هایی که به طریق ذیل صورت می‌پذیرد نمی‌شود:

الف) فروش کالا جهت مصرف شخصی، خانوادگی و ...[۲]

ب) فروش از طریق حراج[۳]

---

1. Law tb.blogfa.com>post

۲. توجه فرمایید که این ممنوعیت دارای استثناء هم می‌باشد و آن زمانی است که: (... فروشنده یا در موقع انعقاد آن نه می‌دانسته و نه لزوماً باید می‌دانست که کالای مزبور برای چنین مصارفی خریداری شده‌اند.»

3. By duction

[Downloaded from mail.philosophylawjournal.ir on 2026-09-18]

ج) فروش ناشی از اجرای احکام یا فروشی که به نحوی از انحاء با مجوز قانونی صورت می‌گیرد؛

د) فروش سرمایه شرکت‌های تجاری، سهام شرکت‌ها، تضمین سرمایه‌گذاری (اوراق بهادار)، اسناد قابل انتقال یا پول؛

ه) فروش کشتی‌ها سفائن، هاور کرافت‌ها[۱] و وسایل نقلیه هوایی؛

و) فروش نیروی برق[۲]؛

۳. کنوانسیون نسبت به قراردادهای بیعی اعمال می‌گردد که محل تجارت متبایعین[۳] در دو کشور متعاهد قرار داشته باشد[۴]. برای تعیین محل تجارت باید به تعهد تجاری محرز و دائمی طرفین توجه کرد.[۵]

۴. خصوصیت مدنی و تجاری طرفین قرارداد و تابعیت ایشان در تعیین «قلمرو» اعمال کنوانسیون اثری ندارد.[۶]

۵. کنوانسیون بیع‌الاستصناع[۷] را شامل می‌شود مگر اینکه سفارش‌دهنده تعهد نموده باشد که قسمت عمده مواد لازم برای ساخت یا تولید آن کالاها را تهیه کند.[۸]

۶. کنوانسیون در مورد قراردادهایی که در آنها قسمت عمده تعهدات طرفی که کالا را تهیه می‌کند ناظر بر ارائه نیروی کار یا خدمات دیگر باشد اعمال نمی‌شود.

۷. کنوانسیون صرفاً ناظر بر انعقاد قرارداد بیع و حقوق و وظایف فروشنده و خریدار می‌باشد که از قرارداد بیع ناشی می‌شود.[۹]

---

۱. هوانا و (معادل فارسی)

۲. ماده ۲ کنوانسیون

3. Place of business

۴. قواعد تعارض قوانین به اجرای قانون یک کشور متعاهد منجر گردد. (بند یک ماده یک کنوانسیون)

۵. بند الف ماده (۱۰)

۶. بند ب ماده (۱۰)

۹. منظور بیع به سفارش است ؛ یعنی قراردادهای ناظر به تدارک کالاهائی که در آینده باید ساخته یا تولید شوند بیع محسوب می‌شوند مگر اینکه سفارش‌دهنده تعهد نموده باشد که قسمت عمده مواد لازم برای ساخت یا تولید آن کالاها را تهیه کند. (بند یک ماده ۳)

۸. عاکفی قاضیانی، موسی؛ عاکفی قاضیانی، وحید؛ مطالعه تطبیقی استصناع به‌عنوان عقدی معین و مستقل؛ در فقه، قوانین برخی کشورهای عربی و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین ، فصلنامه تمدن حقوقی، دوره ۳، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، ص ۶۹.

۹. ماده (۴) کنوانسیون

[Downloaded from mail.philosophylawjournal.ir on 2026-09-18]

نکته مهم اینکه صحت قرارداد یا هریک از شرایط آن و یا اعتبار هرگونه عرف مربوطه[۱] و همچنین اثری که ممکن است قرارداد بر مالکیت کالایی که فروخته می‌شود، مشمول موارد کنوانسیون نمی‌باشند مگر اینکه خلاف آن در کنوانسیون صریحاً ذکر شده باشد.[۲]

۸. در تفسیر کنوانسیون باید به خصیصه بین‌المللی بودن آن و ضرورت ارتقاء هماهنگی در اجرای آن و رعایت حسن نیت در تجارت بین‌المللی توجه شود.[۳]

۹. یکی از مقررات جالب توجه که در کنوانسیون بیع بین‌الملل پیش‌بینی گردیده در خصوص وضعیتی است که «ثمن»[۴] معامله به‌طور صریح یا ضمنی تعیین نشده که در این وضعیت چنین فرض می‌شود که طرفین به طور ضمنی بر روی ثمنی که عموماً در زمان انعقاد قرارداد برای چنان کالای فروخته‌شده‌ای که در اوضاع و احوال مشابه در تجارت مربوطه رایج است توافق کرده‌اند.[۵]

لازم به ذکر است که امر حوزه قراردادهایی تحت عنوان «قراردادهای باز» پدید آمده‌اند که طبق آنها یک یا چند شرط قرارداد فروش می‌تواند مفتوح بماند و طرفین عقد در زمان انعقاد قرارداد بیع آنها را مشخص ننمایند که ازجمله این شرایط که می‌تواند در زمان بیع معین نگردد، میزان ثمن معامله می‌باشد و یک چنین قرارداد بازی که باز بودن آن به علت عدم تعیین میزان و مقدار ثمن در زمان معامله می‌باشد «قرارداد با ثمن باز» می‌گویند. شرط ثمن باز در حقوق انگلیس و آمریکا معمول است.

در حقوق مصر تعیین ثمن با ارجاع به نرخ روز و قیمت بازار پذیرفته شده است. اگر طرفین بر قیمت بازار خصی توافق داشته باشند، همان قیمت معتبر است. در غیر این صورت

---

۱. بند (۱) ماده (۴)

۲. بند (۲) ماده (۴)

۳. بند (۱) ماده(7)

4. Price

5. {… the parties are considered, … , to have impliedly made refrence to the price generally charged at the time of the conclusion of the contract for such goods sold under comparable circumestrances in the trade concerned (Article 55)}

در حقوق ایران مستند به ماده (۳۳۸) قانون مدنی، «عوض» در بیع باید «معلوم» باشد و عدم تعیین «عوض» سبب بطلان عقد است. ضمن اینکه طبق بند (۱) ماده ۲۶۲ همان قانون: «به مجرد وقوع بیع مشتری مالک مبیع و بایع مالک ثمن می‌شود»، پس وقتی ثمنی هنوز مشخص نشده، تصور مالکیت بایع نسبت به آن، یک تصور باطل و غیر ممکن خواهد بود.

[Downloaded from mail.philosophylawjournal.ir on 2026-09-18]

قیمت بازاری که فروشنده باید کالا را در آن به مشتری تسلیم کند ملاک قرار می‌گیرد، در صورتی که محل تسلیم هم مشخص نباشد، قیمت براساس مکانی که عرف حکم می‌کند تعیین می‌شود .

۱۰. هم‌زیستی کنوانسیون وین با کنوانسیون‌های مرتبط حمل دریایی

در مبحث مربوط به قراردادهای بین‌المللی حمل دریایی لاجرم می‌بایست به هم‌زیستی آنها با کنوانسیون وین توجه کرد. در مورد کنوانسیون، بروکسل واقع امر این است که در هر حال فرض مسئولیت متصدی حمل حاکم بوده و مادامی که نام برده وجود یکی از موارد معافیت از مسئولیت مندرج در کنوانسیون را اثبات، نکند عهده‌دار ریسک و مسئول جبران خسارات وارده خواهد بود؛ ازاین‌رو طبق بند ۲ ماده ۴ این کنوانسیون که بند ۲ ماده ۵۵ قانون دریایی ایران از آن اقتباس شده اصل بر مسئولیت متصدی حمل است و صرف اینکه متصدی حمل اثبات کند وظایف مربوط به دریانوردی مندرج در ماده ۵۳ قانون دریایی ایران را تماماً انجام داده برای معافیت از مسئولیت کفایت نمی‌کند در کنوانسیون هامبورگ نیز همانند کنوانسیون بروکسل فرض مسئولیت متصدی حمل حاکم است چراکه هدف از تصویب کنوانسیون هامبورگ بعد از کنوانسیون بروکسل، تشدید مسئولیت متصدیان حمل بوده نه تخفیف آن در مورد کنوانسیون روتردام که به حمل و نقل مرکب یا سرتاسری پرداخته بند ۲ ماده ۲۶ درخصوص مسئولیت متصدی حمل و حدود آن تعیین تکلیف کرده است. کنوانسیون مذکور برای اینکه بتواند با پیچیدگی‌های حمل و نقل مرکب روبه‌رو شود، گستره حاکمیت خود را از پیش از شروع عملیات حمل و نقل دریایی تا پس از آن وسعت بخشیده است، هرچند اطراف قرارداد به موجب قرارداد می‌توانند قلمرو حاکمیت کنوانسیون را محدود کنند. ماده ۲۶ به منظور اجتناب از تعارض با سایر کنوانسیون‌های مربوطه و ماده ۸۲ جهت حل تعارضات پیش آمده با سایر کنوانسیون‌ها پیش‌بینی شده است. در مواردی که جایگاه اعمال ماده ۲۶ فراهم شود، پیش از ایجاد تعارض در موارد پیش‌بینی شده در ماده مزبور سایر اسناد بین‌المللی ملاک عمل قرار می‌گیرند و چنانچه هم قواعد روتردام و هم سایر کنوانسیون‌ها بتوانند در مورد یک مسأله اجرا شوند. ماده ۸۲ روتردام در رفع تعارض بین دو کنوانسیون سایر کنوانسیون‌ها را ارجح میداند (فیضی چکاب و آذر مهر، ۱۳۹۳: ۱۴۰) به نقل از (چکاب و موسوی، ۱۴۰۰: ۹۸)

شرایط انطباق مبیع با قرارداد و تأثیر آن بر انتقال ریسک مسئولیت قراردادی

[Downloaded from mail.philosophylawjournal.ir on 2026-09-18]

۱۱. از نظر کنوانسیون حفظ و بقاء قرارداد یک اصل است و حتی‌الامکان از انحلال یا فسخ قرارداد باید اجتناب کرد، به ویژه هنگامی که قرارداد اجرا شده باشد.[۱]

۱۲. اصل معقولیت[۲]، یعنی آنچه یک انسان متعارف در اوضاع و احوال مشابه انجام می‌دهد، در موارد مختلف کنوانسیون منعکس شده است، خصوصاً اعمالی که یک طرف باید انجام دهد یا اخطاری که باید بفرستد، باید در یک مهلت معقول انجام گیرد[۳].

۱۳. منع رفتار یا گفتار معارض[۴] از اصول بنیادین کنوانسیون است بدین‌معنا که طرف قرارداد نباید در برابر کسی که به رفتار یا گفتار او اعتماد کرده است، رفتار یا گفتار متعارض داشته باشد. براساس همین اصل، کنوانسیون مقرر داشته است که ایجاب، هنگامی که مخاطب، آن را غیر قابل رجوع پنداشته و براساس آن عمل کرده باشد، قابل رجوع نیست؛ و یا هرگاه فروشنده یا خریدار مهلتی برای اجرای تعهد طرف دیگر تعیین کرده باشد، نمی‌تواند در مهلت تعیین‌شده به راه‌های جبران و ضمانت‌های اجرایی که کنوانسیون در اختیار او گذاشته است، متوسل گردد[۵].

۱۴. به موجب کنوانسیون وین ۱۹۸۰ ریسک مسئولیت قراردادی در قراردادهای تعهد به دریافت از فروشنده به خریدار انتقال می‌یابد. (چکاب و قاضیانی،۱۴۰۰: ۲۸۵)

۱۵. ترتیب ضمانت اجرای تخلف از تعهد در کنواسیون بیع بین‌المللی کالا

در مورد تخلف از تعهدات قراردادی فروشنده و خریدار کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ضمانت اجراهایی را در مواد ۴۵ و ۶۱ مقرر داشته است در صورتی که فروشنده از تعهدات قراردادی خود تخلف کند به موجب ماده ۴۵ کنواسیون خریدار دارای حقوق زیر است:

۱. درخواست اجرای اجباری قرارداد (ماده ۴۶) که خود شامل الف) اجرای عین قرارداد (بند ۱ ماده ۴۶) ب) درخواست کالای جانشین (بند ب م ۴۶) و ج) درخواست اصلاح یا تعمیر کالا (بند ۳ ماده ۴۶) می‌شود.

۲. فسخ قرارداد (ماده ۴۹ کنوانسیون)

---

۱. مستنط از مواد ۲۶-۲۵، ۳۴، ۳۷، ۴۹-۴۷، ۶۴-۶۳.

۲. پروفسور Schlechterim که یکی از مفسران کنوانسیون می‌باشد، پیشنهاد می‌کند که تغییر گردد و اضافه می‌کند که « معقول» چیزی است که در تجارت ذی ربط «متعارف» و «قابل قبول» باشد.

۳. برای نمونه ر ک. مواد ۱۸-۱، ۳۸-۱، ۳۹-۱، ۴۳-۱ و ۴۹-۲.

4. Estoppel

۵. (مواد ۴۷-۲ و ۶۳-۲)؛ حقوق بیع بین‌المللی، صفائی و سایرین، پیشین، صص ۲۷-۲۶.

[Downloaded from mail.philosophylawjournal.ir on 2026-09-18]

۳. درخواست تقلیل ثمن (ماده ۵۰ کنواسیون)

۴. درخواست جبران خسارت (قسمت ب بند ۱ ماده ۴۵کنواسیون)

در مورد اینکه آیا باید مقدار دقیق خسارت یا معادل پولی آن به صورت دقیق در حین قرارداد نیز قابل پیشبینی باشد، یا قابلیت پیشبینی نوع ضرر و حدود احتمالی میزان خسارت کافی است؟ به نظر می‌رسد که باید ماهیت و نوع خسارت معین باشد و نسبت به میزان خسارت، پیشبینی میزان دقیق خسارت لازم نیست؛ مگر در موردی که میزان صدمه چنان زیاد باشد که نوع آن را تغییر می‌دهد. (john & Others. 1988: 7-23).

نظریه غالب در تجارت بین‌الملل که در اسناد مربوطه نیز انعکاس یافته، نیز نظریه دوم است. اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در ماده ۲- ۷۴- خود، به صورت ابتکاری و به نحو جامعی این ۴ نظریه را ذیل عنوان «جبران کامل خسارت» مورد تصریح قرار داده که «طرف زیاندیده به دلیل متحمل شدن صدمات ناشی از عدم اجرا، مستحق دریافت خسارت کامل است. این صدمات، هرگونه زیان وارده و هرگونه نفعی را شامل می‌شود که وی از آن محروم شده است. آن هم با احتساب هرگونه نفع مکتسب از سوی طرف زیاندیده که ناشی از اجتناب از هزینه یا صدمه باشد.» در کنوانسیون قراردادهای بیع بین‌المللی کالا به پرداخت کامل خسارت تصریح نشده اما ماده ۷۴ بر قاعده پرداخت کامل استوار است. (Robert and Melvin Aron Eisenberg.1985: 132)

در صورتی که خریدار از تعهدات قراردادی خود تخلف کند کنواسیون در ماده ۶۱ و برخی مواد دیگر ضمانت اجراهایی را در اختیار فروشنده قرار داده است که عبارتند از:

۱. اجرای اجباری قرارداد (قسمت الف بند ۱ ماده۶۱ و ماده ۶۲ کنواسیون)

۲. فسخ قرارداد (قسمت الف بند ۱ ماده ۶۱ و ماده ۶۴ کنواسیون)

۳. پرداخت خسارت (قسمت ب بند ۱ ماده ۶۱ و مواد ۷۴ تا ۷۷ کنواسیون)

۴. تقاضای بهره ثمن (ماده ۷۸ کنواسیون)

۵. مبیع را به دیگری بفروشد و خسارت خود را از این راه جبران نماید (ماده ۸۸ کنواسیون). با این وصف کنوانسیون برای نقض قرارداد سه نوع ضمانت اجرای اصلی مقرر نموده است. اولاً اجرای عین تعهد که ضمانت اجرای اصلی برای متعهدله می‌باشد ثانیاً متعهدله می‌تواند در تحت شرایطی قرارداد را فسخ نماید و به حیات قرارداد پایان دهد. ثالثاً در صورت ورود خسارت زیان دیده می‌تواند از نقض‌کننده قرارداد مطالبه خسارت نماید (chengwei, 2007 paragraph: 128).

[Downloaded from mail.philosophylawjournal.ir on 2026-09-18]

۱۶. اجرای عین قرارداد

یکی از ضمانت اجراهایی که در کنواسیون برای خریدار و فروشنده پیش‌بینی شده حق درخواست اجرای اجباری قرارداد است. به این حق در بند ۱ ماده ۴۶ برای مشتری و ماده ۶۲ برای بایع اشاره شده است. به موجب بند ۱ ماده ۴۶ کنواسیون: «مشتری می‌تواند ایفای تعهدات بایع را از او بخواهد و مطابق ماده ۶۲ کنواسیون بایع» می‌تواند تادیه ثمن قبض مبیع یا ایفای سایر تعهدات مشتری را از او بخواهد پس در صورتی که بایع یا خریدار از انجام تعهد خود خودداری نمایند مشتری و بایع می‌توانند آنها را اجبار به ایفای تعهد نمایند. تقاضای اجرای عین تعهد براساس بند ۱ ماده ۴۶ و ماده ۶۲ نسبت به تمام تعهداتی که فروشنده و خریدار طبق قرارداد و کنوانسیون بر عهده دارد قابل اعمال است و از این حیث تفاوتی ندارد که تعهد مزبور از نوع تعهد اصلی باشد یا فرعی و تمایز میان تعهد اصلی و فرعی تنها در ارزیابی اساسی بودن نقض تعهد مورد بررسی قرار می‌گیرد. (DiMatteo & Dhooge & Greene & Virginia & .Pagnattaro, 2005: 133)

در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، مطالبه توأم اجرای عین تعهد و فسخ قرارداد امکان‌پذیر نمی‌باشد. برخلاف مطالبه خسارت که می‌تواند در کنار سایر ضمانت اجراهای ناشی از نقض توسط زیان دیده درخواست گردد (Honnold, 1999: 302) زیرا یکی از مهمترین موانع درخواست اجرای عین تعهد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا این است که خریدار به طرق جبرانی متوسل گردد که با چنین درخواستی در تقابل و مغایرت است از جمله ضمانت اجراهای مغایر می‌توان به فسخ قرارداد مطابق ماده ۴۹ و تقلیل ثمن وفق ماده ۵۰ کنوانسیون اشاره نمود. (Schlechtriem, 1986: 76)

بحث درخواست اجرای اجباری قرارداد که در کنوانسیون پیش‌بینی شده دقیقاً همان نهاد اجبار متعهد در حقوق ایران است با این تفاوت که ۱ در کنوانسیون به خریدار و بایع اختیار داده شده که اگر اراده نمودند این حق خود را اعمال نمایند زیرا در هر دو ماده واژه می‌تواند استفاده شده است. در حالی که در حقوق ایران متعهدله مجبور است به‌عنوان اولین ضمانت اجرای تخلف از تعهد متعهد را اجبار به انجام عین تعهد نماید (مواد ۲۳۷، ۴۷۶ و ۵۴۵ قانون مدنی ـ یکی از محدودیت‌های متعهدله در کنوانسیون راجع به الزام به اجرای عین تعهد بند ۱ ماده ۴۶ و ۶۲ کنوانسیون)، عدم تکلیف دادگاه به الزام به اجرای عین تعهد وفق ماده ۲۸ کنوانسیون است. (Flechtner, 1988: 3-108) مطابق ماده ۲۸ کنوانسیون چنانچه طبق مقررات این کنوانسیون یکی از طرفین حق داشته باشد.(فرزانگان و همکاران،۱۴۰۱: ۱۷۲)

[Downloaded from mail.philosophylawjournal.ir on 2026-09-18]

۱۷. فسخ قرارداد

یکی دیگر از ضمانت اجراهایی که در صورت نقض تعهد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا پیش‌بینی شده حق فسخ قرارداد است. این حق در ماده ۴۹ کنوانسیون برای خریدار و در ماده ۶۴ کنوانسیون برای فروشنده به رسمیت شناخته شده است. به موجب ماده ۴۹ در موارد زیر مشتری می‌تواند قرارداد را باطل اعلام نماید. الف) در صورتی که عدم ایفای هر یک از تعهدات بایع به موجب قرارداد یا کنوانسیون نقض اساسی قرارداد محسوب شود یا ب) در صورت عدم تسلیم کالا هرگاه بایع ظرف مدت اضافی که مطابق بند ۱ ماده ۴۷ توسط مشتری تعیین شده است کالا را تسلیم ننماید یا اعلام کند که ظرف مدت مزبور کالا را تسلیم نخواهد کرد. ماده ۶۴ نیز مقرر می‌دارد در موارد زیر بایع می‌تواند قرارداد را باطل اعلام نماید: الف) در صورتی عدم ایفای هر یک از تعهدات مشتری به موجب قرارداد یا این کنوانسیون نقض اساسی قرارداد محسوب شود یا ـ هرگاه مشتری ظرف مدت اضافی که مطابق بند ۱ ماده ۶۳ توسط بایع تعیین شده است تعهدات خود را در زمینه تادیه ثمن یا قبض کالا ایفا نکند یا اعلام نماید که ظرف مدت مزبور ایفای تعهد نخواهد کرد. (فرزانگان و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۷۵)

۷. مزایای الحاق به کنوانسیون

با توجه به مزایای زیر، و به لحاظ این واقعیت که کنوانسیون مزبور یکی از موفق‌ترین اسناد بین‌المللی برای متحدالشکل‌سازی بیع بین‌المللی می‌باشد، الحاق کشورها با نظام‌های حقوقی مختلف به این کنوانسیون می‌تواند برای منافع کشور ملحق‌شده به کنوانسیون و همچنین برای منافع جمعی کشورها و تجارت بین‌الملل بسیار مفید باشد:

۱. تأمین نیازهای تجارت بین‌المللی و افزایش اطمینان در معاملات تجاری و کاهش هزینه‌های آنها ناشی از یکنواخت بودن مقررات کنوانسیون می‌باشد؛

۲. حمایت از توسعه اقتصادی پایدار؛

۳. حضور کشورهای مختلف با هر سطح از توسعه اقتصادی که نمایندگی اقتصادی حوزه‌های مختلف جغرافیایی را در جهان نمایندگی می‌نمایند؛

۴. تسهیل در الحاق به سازمان تجارت جهانی؛

۵. کاهش اختلافات تجاری به جهت انتخاب آسان قانون حاکم؛

[Downloaded from mail.philosophylawjournal.ir on 2026-09-18]

۶. ایجاد وحدت در حقوق بین‌المللی و ارتقاء حقوقی کشور؛
۷. ایجاد وحدت رویه در تجارت بین‌المللی؛
۸. توسعه اصول کلی حقوقی؛
۹. استحکام بیشتر قراردادهای تجاری به علت شفافیت در متن و اصول کلی حاکم بر قراردادها؛
۱۰. توسعه معیارهای اخلاقی و رفتار منصفانه؛
۱۱. ارتقاء امنیت بازرگانی بین‌المللی؛
۱۲. ارتقاء روابط دوستانه بین ملت‌ها و کشورها؛
۱۳. گسترش مبادلات تجاری بین‌المللی و درنتیجه ارتقاء تراز تجاری[1]؛
۱۴. حضور روزافزون کشورهای مختلف از قاره‌های مختلف و الحاق آنها به کنوانسیون[2]؛ (داراب‌پور، ۱۴۰۰)

۸. چالش‌های کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات، که در ۲۳ مه ۱۹۶۹ در وین امضا شد و از ۲۷ ژانویه ۱۹۸۰ لازم‌الاجرا شد، یک توافقنامه بین‌المللی است که بر معاهدات بین کشورهای مستقل حاکم است. این معاهده که اغلب به‌عنوان «معاهده معاهدات» شناخته می‌شود، دستورالعمل‌ها، قواعد و رویه‌هایی را برای تهیه، تعریف، اصلاح و تفسیر معاهدات تعیین می‌کند. هدف این کنوانسیون ارائه اصول جامع و عملیاتی برای تشکیل و تفسیر معاهدات است.

کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد قراردادهای فروش بین‌المللی کالا (CISG) که از ۱۰ مارس تا ۱۱ آوریل ۱۹۸۰ در وین برگزار شد، یکی دیگر از معاهده‌های مهم مرتبط با تجارت بین‌المللی است. هدف CISG کاهش موانع در تجارت بین‌المللی با ایجاد قوانین مدرن حاکم بر حقوق و تعهدات طرف‌های درگیر در قراردادهای فروش بین‌المللی است. این قانون در ۱ ژانویه ۱۹۸۸ لازم‌الاجرا شد و بیش از ۷۰ کشور متعاهد را جذب کرده است که بخش قابل توجهی از تجارت بین‌المللی را نمایندگی می‌کنند.

1. Hasany 33.blogfa.com
۲. در سال ۲۰۲۰، کشور پرتغال به‌عنوان نود و چهارمین کشور به کنوانسیون ملحق گردید.

[Downloaded from mail.philosophylawjournal.ir on 2026-09-18]

در چارچوب کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات و کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد قراردادهای فروش بین‌المللی کالا (CISG)، این معاهدات چارچوب‌هایی را برای تنظیم قراردادهای بین دولت‌ها و قراردادهای فروش بین‌المللی ایجاد می‌کنند. VCLT بر اصول کلی حاکم بر معاهدات بین کشورهای مستقل متمرکز است، در حالی که CISG به‌طور خاص به قوانین مربوط به قراردادهای فروش بین‌المللی برای تسهیل روابط تجاری بین‌المللی می‌پردازد. (Keily, Troy, 1999: 31)

هرچند کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا یکی از موفق‌ترین توافقات بین‌المللی در زمینه تجارت بین‌الملل می‌باشد و از آن استقبال زیادی به عمل آمده و مورد تبعیت بسیاری از کشورها قرار گرفته است لیکن با توجه به موارد زیر، با چالش‌هایی مواجه می‌باشد:

۱. با گذشت بیش از چهل سال از تهیه و تصویب آن، هنوز بسیاری از کشورها و حتی برخی از اقتصادهای بزرگ دنیا آن را تصویب کرده‌اند[۱].

۲. با توجه به اینکه هنوز کشورهای مهمی به این کنوانسیون نپیوسته‌اند، بنابراین، تمام قراردادهای بیع بین‌المللی مشمول کنوانسیون مذکور نیستند، لذا هنوز ممکن است قوانین داخلی کشورها با توافقات دو یا چند جانبه به جای کنوانسیون اعمال گردد و این مهم می‌تواند رسالت کنوانسیون را به گسترش و تسهیل بیع‌های بین‌المللی از طریق ایجاد مقررات یکپارچه و درنتیجه کاهش خطر تفاسیر مختلف که ناشی از تعارض و قوانین کشورهاست تقلیل دهد، تحت تأثیر قرار دهد.

۳. تمام قراردادهای بیع بین‌المللی مشمول کنوانسیون نیستند، لذا حتی کشورهای عضو مجبورند که درخصوص موارد خارج از شمول کنوانسیون از مقررات دیگری که بیشتر جنبه داخلی و یا دو چنان‌که چند جانبه دارد استفاده نمایند و این خود می‌تواند یک خلاء و چالش برای کشورهای عضو باشد.

۴. مرجع حل اختلاف برای موارد اختلافی که ممکن است درتمام معاملات چه داخلی و چه بین‌المللی حادث شود، پیش‌بینی نشده و جز با توافق طرفین عقد، امکان ارجاع اختلاف مرجع خاص داوری وجود ندارد.

---

۱. ازجمله این کشورها که هنوز کنوانسیون را امضا و تصویب نکرده‌اند می‌توان به انگلیس، هند، ایران، آفریقای جنوبی و نیجریه اشاره کرد که هر کدام در جایگاه منطقه‌ای و جغرافیایی خود جایگاهی مهم در مسائل اقتصادی و تجارت جهانی دارند.

[Downloaded from mail.philosophylawjournal.ir on 2026-09-18]

۵. در مورد برخی از مسائل مربوط به انعقاد یا ایفاء قرارداد بیع بین‌المللی حادث و نیز در مورد مشکلات و سؤالات بر خواسته از کنوانسیون، این کنوانسیون جواب مستقیم و راه‌حل روشن ارائه نمی‌دهد.

۶. تفسیر صحیح کنوانسیون یکی از مهمترین مشکلات ظریفی است که به قوت خود باقی خواهد ماند؛ علت این امر نیز سبک طراحی خاص کنوانسیون است که به‌طور قابل ملاحظه‌ای با بسیاری از قانونگذاری داخلی متفاوت است. مقررات کنوانسیون در مقایسه با قوانین موضوعه به ویژه در کشورهای دارای سیستم کامن لو که با دقت فراوان و با جزئیات بسیار زیادی طراحی می‌شوند به‌طور چشمگیری کوتاهتر، مجمل‌تر و تصنعی‌تر است و به همین علت دادگاه‌های این کشورها نمی‌توانند مقررات کنوانسیون را تحلیل نمایند. برخلاف قانون معمولی داخلی که جزئی تکمیل‌کننده از یک سیستم حقوقی است، کنوانسیون فاقد زمینه‌های قانونی مربوط به خودش برای تفسیر است.[۱]

۷. در اینجا یا باید به اصول و معیارهایی که از یک قانون داخلی ویژه اخذ شده است مراجعه شود، یا اینکه راه‌حل را در خود کنوانسیون جستجو کرد. طراحان کنوانسیون راه‌حل دوم را برگزیده‌اند و ضمن توجه دادن مراجع تفسیرکننده[۲] به تفسیر براساس ویژگی‌های بین‌المللی کنوانسیون[۳] و حل مسائل مربوط به موضوعاتی که تابع کنوانسیون هستند و تکلیف آنها به طور صریح در کنوانسیون تعیین نشده باید با توجه به اصول کلی مبنایی کنوانسیون حل و فصل گردد، اعلام می‌دارد که در صورت فقدان چنین اصولی باید طبق قانونی که به موجب قواعد حقوق بین‌المللی قابل اعمال است عمل نمود و موضوع و مشکل را فیصله داد[۴].

۸. هدف اصلی کنوانسیون ایجاد همشکلی و یکپارچگی میان قراردادهای بیع کالا در سطح جهان برای این منظور جدا از پذیرش کنوانسیون توسط دولت‌ها، استفاده از روشی یکسان در تفسیر کنوانسیون بسیار مهم است. علی‌رغم منشأ ماهیت جهانی کنوانسیون هنوز این احتمال وجود دارد که برای کنوانسیون تفسیرهای مختلفی در قسمت‌های مختلف جهان قائل شوند، حتی اگر آن کنوانسیون به‌عنوان یک سیستم مستقل حقوقی محسوب گردد.[۵]

---

۱. یعنی قوانین و اصول دیگری موجود نیست که در صورت حدوث مشکلات کنوانسیون را براساس آنها تفسیر و تعبیر کرد.

۲. اعم از مراجع قضائی و داوری

۳. بند (۱) ماده (۷)

۴. بند (۲) ماده (۷)

۵. داراب‌پور، پیشین، صص ۶۰-۵۹.

[Downloaded from mail.philosophylawjournal.ir on 2026-09-18]

۹. ضرورت الحاق کشورها به کنوانسیون

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، یکی از مهم‌ترین اسنادی است که در زمینه یکسان‌سازی حقوقی ماهوی تصویب شده اشت.

همان‌گونه که در سطور قبلی این مقاله بیان گردیده مزایای این کنوانسیون که به طور عمده شامل:

گسترش مبادلات بین‌المللی، ایجاد وحدت در حقوق بین‌المللی و ارتقاء حقوقی کشورها، اصلاح قوانین داخلی کشورها، از بین رفتن و کاهش تعارضات قوانین داخلی کشورهای عضو، کاهش هزینه‌ها، سرعت مبادلات، افزایش اخلاق مداری در تجارت[۱] و معاملات که بی‌شک به روابط قراردادی بین اشخاص در سطوح و با عناوین مختلف نیز تصدی پیدا نموده و معاملات اخلاق مدارانه در فرهنگ کشورها نهادینه خواهد شد؛ ضمن اینکه سادگی، قطعیت، منصفانه بودن، موفقیت و تفسیر متحدالشکل محرک‌ها و مشوق‌هایی برای الحاق به این کنوانسیون می‌باشد.[۲]

همچنین در سیستم حقوقی کامن‌لو در صورت تخلف مشروط علیه یا متعهد از انجام تعهد زیان دیده همواره حق مطالبه خسارت را دارد اما اجبار او به انجام تعهد کاملاً بستگی به نظر دادگاه دارد. فسخ قرارداد نیز جنبه استثنایی دارد و ایجاد حق فسخ منوط به نقض اساسی قرارداد است. (نخعی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۴۶)

۱۰. عدم الحاق ایران به کنوانسیون

علی‌رغم گذشت بیش از چهل سال از زمان تصویب اولیه کنوانسیون و بیش از سی سال از زمان اجرایی شدن آن[۳] ایران در طرح اولیه کنوانسیون جزء ۶۲ کشوری بود که در وین کنوانسیون را به تصویب رساند[۴] حضور داشته، و با لحاظ این واقعیت که الحاق ایران به این

---

۱. به واسطه لزوم رعایت اصولی مانند اصل رعایت حسن نیت و همچنین اصل لزوم معاضرت و همکاری در انعقاد و اجرای مفاد قراردادهای بیع.

۲. حاجی عزیزی، بیژن؛ بیات، بیژن، ضرورت الحاق به کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، مجله حقوقی بین‌المللی (فصلنامه علمی)، دوره ۳۵، شماره پیاپی ۵۸، تیر ۱۳۹۷، ص ۲۹۹.

۳. هرچند که کنوانسیون در سال ۱۹۸۰ در وین به تصویب رسید لیکن طبق ماده ۹۹ کنوانسیون، الحاق حداقل ۱۰ کشور به کنوانسیون و گذشت ۱۲ ماه از آن برای لازم الاجرا شدن لازم بود و بر اساس، کنوانسیون از ابتدای ژانویه ۱۹۸۸ بین کشورهای ملحق شده به کنوانسیون، لازم الاجرا گردید.

۴. شیروی، عبدالحسین، پیشین، ص ۱۷۸.

[Downloaded from mail.philosophylawjournal.ir on 2026-09-18]

کنوانسیون می‌تواند موجبات توسعه بازرگانی خارجی ایران و رونق اقتصادی را به دنبال داشته باشد لیکن متأسفانه الحاق ایران به کنوانسیون مذکور با موانع داخلی و خارجی متعددی روبه‌روست؛ موانع داخلی مثل محدودیت‌های موجود در قانون اساسی، نبودن برنامه‌های جامع و سیاست‌های کلی و مغایرت برخی از مقررات کنوانسیون با حقوق داخلی و موانع بین‌المللی نظیر مخالفت قدرت‌های جهانی از طریق اعمال تحریم‌های اقتصادی و ضعف دیپلماسی اقتصادی ایران. لیکن با وجود تمام موانع مذکور، امکان الحاق ایران به کنوانسیون وجود دارد لیکن آنچه به نظر می‌رسد این که هنوز اراده جدی در بین متولیان اقتصاد کشور جهت نیل به این مهم وجود ندارد.(تقی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳)

یکی از موانع داخلی الحاق ایران به کنوانسیون اختلافات مهمی است که بین مقررات کنوانسیون و قانون مدنی ایران وجود دارد که در زیر به دو مورد از آن موانع اشاره می‌شود:

۱. ماده ۵۵ کنوانسیون: که بیع را حتی با وجود عدم تعیین ثمن صحیح می‌داند؛ در حالی که در حقوق ایران، تعیین ثمن در زمان انعقاد عقد، شرط لازم برای صحت عقد می‌باشد.[۱]

۲. بهره ثمن[۲]: کنوانسیون برای فسخ قرارداد اثر قهقرایی قائل است، یعنی اگر بیع فسخ شد، منافع قبل از فسخ به فروشنده تعلق دارد و در برابر، ثمن به اضافه بهره ثمن به مشتری بر می‌گردد در حالی که در قانون مدنی ایران منافع مبیع با فسخ، متعلق به خریدار بوده و برای رد ثمن نیز بهره‌ای برای مدتی که ثمن نزد فروشنده بوده تعلق نمی‌گیرد و اصولاً دریافت بهره حرام شمرده می‌شود.

۱۱. فلسفه نظریه تقلیل خسارت در کنوانسیون ۱۹۸۰ وین

نظریه تقلیل خسارت در نظام کامن‌لا مقبولیت بیشتری نسبت به نظام رومی ژرمن مقبولیت بیشتری دارد (Safa, 1994: 35). هرچند امروزه، محاکم، به آن به‌عنوان اصل کلی حقوق تجارت بین‌الملل می‌نگرند و در آرای خود بدان استناد می‌کنند (Liu, 2003).

۱. ماده ۳۳۸ قانون مدنی بیع را «تملیک عین به عوض معلوم» تعریف کرده است. همچنین ر ک به: ماده ۳۳۹، بند ۱ ماده ۳۶۲، ماده ۳۶۳ از قانون مدنی

2. If the seller is bound to refund the price, he must also pay interest on it, from the date on which the price was paid. (Article 84; sec 4).

[Downloaded from mail.philosophylawjournal.ir on 2026-09-18]

ماده ۷۷ کنوانسیون نیز با پذیرش این قاعده، بیان می‌کند که زیان‌دیده، حتی اگر نقض قرارداد، اساسی باشد، نمی‌تواند بدون هیچ اقدام مفیدی منتظر وقوع خسارت شود و سپس طرح دعوی کند بلکه باید اقدامات کافی و مقتضی را در جهت کاهش و پیشگیری از خسارت انجام دهد. این ماده مقرر می‌دارد: «طرفی که به نقض قرارداد استناد می‌کند، مکلف است حسب اوضاع و احوال در جهت کاهش زیان، ازجمله عدم‌النفع، ناشی از نقض، اقدامات متعارف را معمول دارد. درصورتی‌که وی در انجام اقدامات فوق قصور نماید، نقض‌کننده می‌تواند به میزانی که خسارت می‌باید تقلیل می‌یافته است، مدعی کاهش خسارت گردد». ماده ۷۷ کنوانسیون مقتبس از ماده ۸۸ قانون متحدالشکل بیع بین‌المللی کالا (ULIS)[1] است که چنین مقرر می‌دارد: «طرفی که به نقض قرارداد استناد می‌کند، باید همهٔ اقدامات متعارف را برای کاستن خسارت ناشی از نقض به عمل آورد. اگر وی در انجام این اقدامات قصور کند، طرف ناقض قرارداد می‌تواند مدعی کاهش خسارت شود». این دو ماده بسیار به هم شبیه‌اند با این تفاوت که ماده ۷۷ ، دو تغییر نسبت به ماده ۸۸ دارد:

اول) کنوانسیون، تقلیل خسارت را به عدم‌النفع نیز تعمیم داده است؛

دوم) طبق کنوانسیون، ناقض می‌تواند به میزانی که خسارت می‌توانست کاهش یابد، مدعی کاهش در خسارت شود.

ماده ۷۷ کنوانسیون، مصداق بارز اصل حسن نیت مندرج در بند ۱ ماده ۷ است (Schlechtriem and Schwenzer, 2005, Art. 77, para. 1). به‌عنوان یک قاعده و اصل، طرفی که مسئول جبران خسارت است (طرف خاطی)، باید قصور طرف دیگر (طرف زیان‌دیده) را در کاهش ضرر ثابت کند.[2] ماده ۷۷ تنها بر دعوای جبران خسارت اعمال می‌شود. قصور در تقلیل خسارت، بر اقامهٔ دعوای زیان‌دیده مطابق سایر شیوه‌های جبران خسارت اثر نمی‌گذارد (Schlechtriem and Butler, 2009: 220) پیشنهاد

1. Uniform Law on the International Sale of Goods

۲. برای مطالعهٔ رویهٔ قضایی در این زمینه، آرای زیر را بنگرید:

Tribunal of International Commercial Arbitration of the Russian Chamber of Commerce and Industry 23 December 2004 [Case No. 97/2004] http://cisgw3.law.pace.edu/cases/041223r1.html; Court of Appeals (Oberlandesgericht) Hamburg 28 February 1997 [1 U 167/95] http://cisgw3.law.pace.edu/cases/970228g1.html; Supreme Court of Austria (Oberster Gerichtshof) 6 February 1996 [10 Ob 518/95] http://cisgw3.law.pace.edu/cases/960206a3.htmL.

[Downloaded from mail.philosophylawjournal.ir on 2026-09-18]

آمریکایی‌ها مبنی بر تعمیم تعهد تقلیل خسارت به سایر شیوه‌های جبران خسارت در کنفرانس وین پذیرفته نشد. درواقع، قاعده تقلیل خسارت بر دعاوی «اجرای تعهد»[1] اعمال نمی‌شود (Schlechtriem and Butler, 2009: 220). بنابراین، به دلیل عدم مهار خسارت، طرف مقابل (ناقض تعهد) نمی‌تواند عقد را فسخ کند و یا مطالبه خسارت کند و یا الزام به انجام چیزی را بخواهد که لازمهٔ تقلیل خسارت است.[2]

نتیجه‌گیری

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا یکی از مهم ترین اسناد بین‌المللی در زمینه حقوق تجارت بین‌الملل می‌باشد که سبب گردیده که کشورهای مختلف با دارا بودن نظام‌های حقوقی متنوع و متفکر و با نگرش‌های متفاوت سیاسی، در عرصه تجارت به یکدیگر نزدیک شده و با تکیه بر مقررات منعطف و کارآمد کنوانسیون که ناشی از پیروی از حقایق عرفی و عملی تجارت در عرصه بین‌المللی می‌باشد، نقش سازنده‌ای در تجارت جهانی داشته باشند. درواقع، این کنوانسیون تلاشی است متکی بر دهه‌ها تلاش و تجربه کشورها و حقوقدانان در ایجاد مقررات مربوط به بیع بین‌المللی و به شایستگی نیز توانسته است در جهت یکنواخت‌سازی و همگن نمودن حقوق حاکم بر این نوع قراردادها، گام بردارد. اهمیت موضوع زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم کشورهایی که عضو این کنوانسیون می‌باشند اکنون بیش از ۹۰٪ حجم تجارت بین‌الملل را به خود اختصاص داده‌اند ، این در حالی است که علی‌رغم الحاق حدود یکصد کشور به کنوانسیون، هنوز کشورهای مطرحی از چهار گوشه جهان به آن نپیوسته‌اند و این می‌تواند در رسیدن به آرمان نهایی کنوانسیون که همان اتحاد و همگن‌سازی مقررات بیع در سطح تمام کشورها می‌باشد خلل وارد نماید.

کنوانسیون نه‌تنها به دنبال ایجاد کی رژیم متحدالشکل برای بیع بین‌الملل است، بلکه به دنبال پیشنهاد و قواعدی است که بهتر از قواعد و قوانین داخلی کشورها پاسخگوی نیازهای مهم و ضروری تجارت بین‌الملل باشد.

اصول مهمی مانند اصل معقولیت، حسن نیت، معاضدت و ... بر متن، روح و اجرای کنوانسیون حکمفرما می‌باشند که سبب می‌شوند قراردادهای منعقده که از مقررات و

1. Claims for Performance
2. http://cisgw3.law.pace.edu/cisg/text/secomm/secomm-77.html

[Downloaded from mail.philosophylawjournal.ir on 2026-09-18]

قواعد آن تبعیت می‌کنند از دوام و استحکام و اعتبار بیشتری در سطح بین‌الملل برخوردار باشند. این اصول اساسی و بنیادین، نه‌تنها در نحوه شکل قراردادها، که در نحوه تفسیر آنها نیز نقش بسیار اساسی و مؤثری دارند. به گونه‌ای که مراجع رسیدگی‌کننده به اختلافات یا ابهامات طرفین درخصوص این نوع از قراردادها در رسیدگی خود ملزم به اعمال و اجرای این اصول می‌باشند.

با توجه به منعطف و کارآمد بودن مقررات کنوانسیون، شاهد استقبال روزافزون کشورها و تجار از این مقررات و پیوستن کشورهای جدید به آن هستیم. مقررات بدیعی که در این کنوانسیون در جهت انعقاد یا اجرا و ضمانت اجرای بین‌الملل می‌باشد این در حالی است که اغلب مقررات داخلی کشورها درخصوص انعقاد عقد بیع از سخت‌گیری بیشتری نسبت به مقررات کنوانسیون در این خصوص، برخوردارند.

اهمیت این کنوانسیون تا به آنجاست که الحاق به آن، یکی از عوامل تسهیل‌کننده برای هویت کشورها در سازمان تجارت جهان یا همان WTO می‌باشد. البته علی‌رغم مزایای بی‌شماری که الحاق به این کنوانسیون برای کشورها دارد چالش‌هایی نیز پیش روی آن می‌باشد که سبب گردیده برخی کشورها در الحاق به آن با تردید روبه‌رو شوند. در این خصوص منتقدین کنوانسیون معتقدند که مقررات آن مربوط به بیش از چهار دهه قبل است و تمام نیازهای تجاری روز را برآورد نمی‌نماید و در این راستا، استثنای معاملات برخی کالاها و سهام که نقش به سزایی در معاملات جهانی دارند، خود مزیدی بر دلیل ناکارآمد بودن آن تلقی می‌شود.

عدم الحاق برخی از اقتصادهای بزرگ جهان، عدم پیش‌بینی مرجع حل اختلاف مشخص بین‌المللی، وجود اجمال و ابهام در برخی از مقررات کمیسیون که می‌تواند منجر به تفاسیر مختلف و مبنی بر مقررات داخلی کشورها و سلایق شخصی مقام تفسیرکننده باشد، از دیگر چالش‌های الحاق به این کنوانسیون می‌باشد؛ هرچند که در کل، و علی‌رغم تمام این چالش‌ها و ایرادات، الحاق به کنوانسیون با توجه به جهان‌شمول بودن آن، اصولاً می‌تواند برای کشورها به‌خصوص کشورهایی که قصد گسترش تجارت و افزایش گردش مالی و درنتیجه، توسعه خود را دارند، بسیار مفید و مؤثر باشد.

از طرفی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا بر حقوق ایران در صورت نقض قرارداد از سوی خریدار یا فروشنده متعهدله می‌تواند از دادگاه درخواست اجبار متعهد به انجام تعهد

[Downloaded from mail.philosophylawjournal.ir on 2026-09-18]

را بخواهد و دادگاه نیز مکلف به صدور حکم نسبت به اجرای عین تعهد نیست مگر اینکه مطابق قانون متبوع خود نسبت به قراردادهای بیع مشابهی که مشمول مقررات این کنوانسیون نیستند حکم به اجرای عین تعهد دهد.

بنابراین در تفسیر مواد کنوانسیون باید محتاطانه عمل کرد. آنچه بسیاری از نویسندگان به درستی از آن یاد کرده‌اند، مراحل یک تفسیر صحیح از کنوانسیون است. در این مراحل، ابتدا مطابق با مواد کنوانسیون و جدای از اصول کلی کنوانسیون (بند ۲ ماده ۷) و خصیصه بین‌المللی کنوانسیون(بند ۱ ماده ۷)و با توجه به امارات و اشاراتی که مواد ممکن است از یکدیگر ارائه بدهند تفسیر به عمل می‌آید. رجوع مستقیم و بی‌محابا به (ماده ۷) نه‌تنها با هدف تنظیمی خود این ماده و مقدمه کنوانسیون سازگار نیست بلکه موجب از هم پاشیدگی مقررات ناظر بر نظم قراردادهای فروش بین‌المللی است. گرچه بعضی از نویسندگان اشاره به مراحل تفسیر درست از مقررات کنوانسیون داشته‌اند لیکن در مواجهه با خرید و فروش کالا بعد از اینکه استنتاج از مقررات را ناکامی تلقی کرده‌اند روی به ماده (۷) آورده‌اند و راهکار الگوپذیری از آرای کشورهای متعاهد را ارائه کرده ان. با چنین الگویی در نیل به هدف غایی کنوانسیون در راستای یکنواخت‌سازی مقررات حاکم بر تجارت بین‌الملل به دلیل وجود آرای بسیار اندکی که در زمینه قراردادهای فروش برخی کالاها وجود دارد نتیجه مطلوبی حاصل نمی‌شود.

منابع

- استادی، مونا. (۱۳۹۷). وضعیت حقوقی و آثار قرارداد باز ، نشر میزان، چاپ اول.
- تقی‌پور، بهرام؛ خوئینی، غفور؛ مسعودی، سمیرا. (۱۳۹۷). موانع داخلی الحاق ایران به کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، نشریه دیدگاه‌های حقوقی قضائی، دوره ۲۴، شماره ۸۴.
- چکاب، غلام نبی فیضی و قاضیانی، وحیده. (۱۴۰۰). نرم‌افزار به‌عنوان کالا در مقررات کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ، فصلنامه علمی مطالعات حقوقی، دوره چهاردهم، شماره اول، بهار، صفحات ۲۸۰ تا ۳۰۸.
- چکاب، غلام نبی فیضی و موسوی، سیده میترا. (۱۴۰۰). نقطه انتقال ریسک مسئولیت قراردادی در قراردادهای بین‌المللی فروش و حمل گاز طبیعی از منظر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (وین، ۱۹۸۰)، فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضائی، مقاله پژوهشی دوره ۲۶، شماره ۹۵ پاییز، صفحات ۸۵ تا ۱۰۵.
- حاجی عزیزی، بیژن؛ بیات، بیژن. (۱۳۹۷). ضرورت الحاق به کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۳۵، شماره پیاپی ۵۸.

[Downloaded from mail.philosophylawjournal.ir on 2026-09-18]

- داراب‌پور، مهراب؛ داراب‌پور، محمد. (۱۴۰۰). مقررات آشیرال در مورد بیع بین‌المللی کالا، انتشارات گنج دانش، چاپ نخست.
- داراب‌پور، مهراب. (۱۳۷۴). (ترجمه) تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی، کنوانسیون ۱۹۸۰ وین، جلد اول، چاپ اول.
- داراب‌پور، سهراب؛ داراب‌پور، محمد. (۱۴۰۰). مقررات آنستیرال در مورد بیع بین‌المللی کالا، انتشارات گنج دانش، چاپ نخست.
- شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۳). حقوق تجارت بین‌الملل، انتشارات سمت، چاپ هفتم.
- صفائی، سیدحسین؛ کاظمی، محمود؛ عادل، مرتضی و میرزا نژاد، اکبر. (۱۳۹۰). حقوق بیع بین‌المللی، بررسی کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰، با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس و ایالات متحده آمریکا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- عاکفی قاضیانی، موسی و عاکفی قاضیانی، وحید. (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی استصناع به‌عنوان عقدی معین و مستقل؛ در فقه، قوانین برخی کشورهای عربی و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین، فصلنامه تمدن حقوقی، دوره ۳، شماره ۷، پائیز و زمستان.
- قانون مدنی
- فرزانگان، محمد؛ ظهوری، سمیه و تقی‌پور درزی نقیبی، محمدحسین. (۱۴۰۱). نحوه ترتیب ضمانت اجرای تخلف از تعهد در حقوق ایران، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق انگلیس، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی،دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۸۳-۱۶۵.
- نخعی، رضا؛ تقی‌زاده واشان، ابراهیم و جعفری، محمدحسین. (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی «معلوم بودن مبیع» در حقوق ایران با «انطباق کالا» در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، فصلنامه تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۴(۵۳)، صص ۳۵۷-۳۴۳.

Reference

- Schlechtriem. P., Butler. P., (2009), *UN Law on International Sales*, Berlin: Springer Pub, 1nd Edition.
- Lars van, Vliet (2011). Acquisition and Loss of Ownership of Goods- book VIII of the Dra ft Common Freme of Refrence, faculty of Law Maastricht University
- Bell ,john & Others.(1998). principles of French Law, Oxford ; New York ، Oxford University Press. -Christiana.(2011). Remedies for breach of contract under the UnitedNations Convention on the International Sale of Goods,ERA Forum , April 2011, Volume 12, Issue 1, pp 7-23. Available at ،http ، //www.unifr.ch/ius/assets/files/ chaires/CH_Fountoulakis/files/Remedies.pdf
- Cooter, Robert and Melvin Aron Eisenberg.(1985). "Damages for Breach of Contract", California Law Review, Volume 73,Issue 5. Available at ،http ، //scholarship. law. berkeley. edu/californialawreview/vol73/iss5/1

[Downloaded from mail.philosophylawjournal.ir on 2026-09-18]

- Flechtner A. (1988). “Consequential Damages for Commercial Loss ،An Alternative to Hadley v. Baxendale”, 63 Fordham L. Rev. 3-108. Available at ،http،ص//ir. lawnet. fordham. edu/flr/vol63/iss3/1
- Suff, Honnold,. (1999). Essential Contract Law, Second edition, Cavendish Publishing, London, United Kingdom. Available at ،http،ص//www. zahvat. ru/media/bookshelffile/original/33840. Pdf.
- United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (Vienna, 1980) (CISG) Available at ،http ،//www. uncitral. org/pdf/english/texts /sales/cisg/ V1056997-CISG-e-book. pdf
- Virgo , chengwei,. (2007). The Principles of the Law of Restitution, 2nd Edition, Oxford University Press.
- DiMatteo & Dhooge & Greene & Virginia & .Pagnattaro, 2005, “Precontractual Liability and Preliminary Agreements :Fair Dealing and Failed Negotiations”.
- Schlechtriem, S.(1986), “Good Faith Performance and Commercial Reasonableness under the Uniform Commercial Code”, University of Chicago Law Review, 1963.
- Keily, Troy, Good Faith and the Vienna Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG), Vindobona Journal of International Commercial Law and Arbitration, 1999.
- Liu. Chengwei., (2003), Remedies for Non-performance: Perspectives from CISG, UNIDROIT Principles & PECL, available at: http://cisgw3.law. pace.edu/cisg/biblio/chengwei-77.html#14-5
- UCC section 2-305; Sale of goods Act, 1979, Sec 8, Art 20.
https://unicitral.un.org/en/texts/sale goods.
http://www.smalawyer.com
lawtb.blogfa.com>post.

[Downloaded from mail.philosophylawjournal.ir on 2026-09-18]